

خبر

رایزنی سنول با دوحه درباره آزادی نفت‌کش

● ایسنا: معاون وزیر امور خارجه کره جنوبی در دیدار با مقامات ارشد قطری خواستار حمایت این کشور از حل‌وفصل مسائل مربوط به توقیف نفت‌کش این کشور از سوی ایران شد. به گزارش خبرگزاری یونه‌اپ، وزارت امور خارجه کره جنوبی روز پنجشنبه اعلام کرد که چوی جونگ کان، معاون وزیر امور خارجه این کشور که به قطر سفر کرده است، در دیدار با مقامات ارشد قطری خواستار حمایت قطر از آزادسازی سریع نفت‌کش کِره‌ای و گروه آن شده است که چندی پیش ازسوی ایران توقیف شد.

طبق گفته وزارت امور خارجه کره، چوی در دیدار جداگانه با محمد بن عبدالرحمان بن جاسم الثانی، معاون نخست‌وزیر و معاون وزیر امور خارجه قطر و سعد المريخی، وزیر مشاور در امور خارجه این کشور، برای گفت‌وگو درباره مسائل دو جانبه، روز چهارشنبه در دوحه این درخواست را مطرح کرد.

وزارت امور خارجه کره در بیانیه‌ای درباره اظهارات این مقام کِره‌ای گفت: معاون وزیر امور خارجه، خواستار حداکثر حمایت ممکن از طرف قطری برای حل‌کردن مسئله توقیف اخیر نفت‌کش کره جنوبی ازسوی ایران شد.

در ضمن، وزارت خارجه کره مدعی شد که وقتی این دو کشور (ایران و کره جنوبی) در حال مذاکره درباره راه‌های گسترش تبادلات بشردوستانه بوده‌اند، ایران پیشنهاد داده است از پول‌های بلوکه‌شده‌اش در کره که تحت تحریم‌های آمریکا بلوکه شده‌اند، برای خرید آمبولانس استفاده شود.

براساس این گزارش، ادعای وزارت خارجه کره درباره پیشنهاد ایران در مذاکرات با کره برای خرید آمبولانس در حالی مطرح می‌شود که محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری، روز گذشته در پاسخ به این پرسش که مقامات کره جنوبی از ایران خواسته‌اند در عوض طلب خود از این کشور آمبولانس بخرد، اظهار کرد: ما در عوض پولی که آنجا داریم و در برابر عصبانیتی که ما برای نگه‌داشتن سه‌ساله این پول داریم، به‌هیچ‌وجه چنین پیشنهادی برای خرید آمبولانس ن داده‌ایم. خودشان هم فهمیدند که نه ایران محتاج چنین چیزی است و ما با همه جنگ اقتصادی و فشارهایی که تجربه کردیم، سه سال این کشور را اداره کردیم. پس محتاج چند آمبولانس نیستیم؛ بلکه پولی را می‌خواهیم که در آنجا مانده و باید آزاد شود. واعظی در پاسخ به پرسشی درباره پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی تاکید کرد: سفر معاون وزیر خارجه کره جنوبی به ایران سفری بود که از قبل با فشارهای متعددی که هم وزارت خارجه ما و هم بانک مرکزی‌مان روی کره جنوبی آورده بودند، از ماه قبل طراحی شده بود. دوستان ما در وزارت خارجه و بانک مرکزی خیلی محکم با این مسئله برخورد کردند و آنان خودشان قبول دادند که بروند و پیگیری کنند تا پول‌ها آزاد شود.

رئیس دفتر رئیس‌جمهوری تصریح کرد: ضمن اینکه ما مقدمات کارهای حقوقی لازم را در این زمینه طراحی کرده‌ایم و با توجه به مذاکرات انجام‌شده، امیدواریم که در ماه آینده توفیقاتی حاصل شود. نه‌فقط راجع به پول‌های کره جنوبی، بلکه پول‌های ما در جاهای دیگر که به دلیل فشار آمریکا مسدود شده و امیدواریم در ماه‌های آینده آزاد شود.

نیروی دریایی سپاه، در اطلاعیه‌ای درباره توقیف نفت‌کش کِره‌ای اعلام کرده بود: شناور نفت‌کش کره جنوبی‌با نام تجاری هانکوک چیم به‌دلیل نقض پروتکل‌های زیست‌محیطی از سوی نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس متوقف شد.

در اطلاعیه نیروی دریایی سپاه همچنین آمده است: این شناور از میدا بندر الجبیل عربستان سعودی عازم بمبئی هند بود که در خلیج فارس به‌دلیل نقض پی‌اپی قوانین زیست‌محیطی دریایی توقیف شد.

نگاهی به عملکرد وزیر خارجه آمریکا در گفت‌وگو با کوروش احمدی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل:

پمپئو، دیپلمات ایدئولوگ

زینب اسماعیلی‌سیویری

بین دیپلمات‌های ایرانی به شوخی گفته می‌شد گویی مایک پمپئو وزیر خارجه ایران در آمریکا است، آن‌قدر که به موضوع ایران می‌پردازد، در حالی‌که سیاست خارجی آمریکا همیشه موضوعات متنوعی از آمریکای لاتین تا اقیانوسیه را دنبال می‌کرد، در مدتی که مایک پمپئو بر صندلی وزارت خارجه آمریکا نشست، او عمدتا بر موضوع ایران و رایزنی‌های منطقه‌ای متمرکز بود. در روزهای پایانی صدارتش به این پرداختیم که چرا عملکرد پمپئو این‌گونه بود. گفت‌وگوی ما با کوروش احمدی، کارشناس روابط بین الملل را بخوانید.

✎ مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا که به‌زودی این سمت را ترک می‌کند، از سازمان سیا به این سمت منصوب شد. او سابقه دیپلماتیک نداشت؛ همان‌طور که رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ هم یک آدم سیاسی نبود. این وجهه چقدر در کار دیپلماسی دولت ترامپ تأثیر گذاشت؟

ترامپ یک ویژگی منحصربه‌فرد داشت و آن اینکه برعکس رؤسای جمهور پیشین آمریکا هیچ‌گاه هیچ سابقه و تجربه‌ای در نظام حکمرانی کشورش به معنای اعم کلمه نداشت. همه رؤسای جمهور پیشین آمریکا یا قبل از رئیس‌جمهورشدن عضو کنگره بودند یا به‌عنوان فرماندار ایالت یا عضو کابینه یا یک فرمانده ارتش کار کرده و تجربه آموخته بودند. این امر باعث شد که ترامپ در بدو ورود به کاخ سفید فاقد هرگونه تجربه اجرایی یا تقنینی باشد؛ یعنی او در عمل نمی‌دانست که اساسا ساختار حکمرانی چگونه کار می‌کند و این منشأ مشکلات ادراکی و عملی بود؛ اما ایده‌ها و افکاری داشت و قواعد دموکراسی هم اجازه نمی‌داد که او از رقابت با دیگر صاحبان ایده‌ها و افکار منع شود؛ اما نفس انتصاب کسی مانند پمپئو به‌عنوان وزیر خارجه چه در آمریکا و چه در سایر کشورها بدون ابراد بود. پمپئو دکترای حقوق از هاروارد دارد و قبل از انتصاب به‌عنوان رئیس سیا و وزیر خارجه، عضو مجلس نمایندگان آمریکا، یعنی یک سیاست‌مدار بود. این معمول است که یک عضو پارلمان وزیر خارجه شود. در همین ایام اخیر جان کری و هیلاری کلینتون از کنگره به وزارت خارجه آمریکا رفتند. در ایران هم آقای دکتر ولایتی از مجلس به

✎ در چهار سال ریاست‌جمهوری ترامپ، مایک پمپئو بیش از هر موضوع دیگری در سیاست خارجی آمریکا به ایران متمرکز بود. این را می‌توان در توییت‌ها، ملاقات‌ها و سفرهایش به‌خوبی دید. واقع در عمل هم این‌گونه بود؟ یعنی توان دیپلماسی آمریکا در این چهار سال به ایران متمرکز شده بود؟

قطعا ایران یکی از اولویت‌های سیاسی خارجی آمریکا در چهار سال گذشته بود؛ اما به نظر من ترامپ و پمپئو دیدگاه و اهداف واحدی را دنبال نمی‌کردند.

دیپلماسی

پمپئو، دیپلمات ایدئولوگ



ترامپ با تمرکز بر انتخابات در ۲۰۲۰، دربی تحقیق قول‌های انتخاباتی‌اش و اثبات این بود که توافق او‌با ما ایران، توافق بدی بود. او می‌خواست که برجام را مختصری تغییر دهد و اسم آن را عوض کند و به نام توافق خوب خود ارائه دهد؛ اما پمپئو برمیانی آموزه‌های تبشیری یا اوانجلیکال اولویت متفاوتی درباره ایران داشت. او ایران را به‌عنوان دشمن اسرائیل تصویر می‌کرد و دنبال این بود که با تضعیف ایران، اسرائیل را تقویت کند و براساس یک باور تبشیری «آمدن دوم مسیح» را جلو بیندازد. البته در حاشیه، یک ذخیره‌ای هم برای رئیس‌جمهورشدن خودش در ۲۰۲۴ دست‌وپا کند. در چنین چارچوبی، ترامپ از پمپئو به‌عنوان کسی که حاضر به اعمال هر فشاری بر ایران برای واداشتن ایران به مذاکره بود، استفاده می‌کرد؛ اما شک ندارم که در صورت آمادگی ایران برای تقاضم، ترامپ آماده بود پمپئو را کنار بزند و با ایران تفاهم کند. عملکرد پمپئو برعکس عملکرد ترامپ، فاقد هرگونه جنبه عمل‌گرایانه بود و نه‌تنها در ارتباط با ایران، بلکه در رابطه‌با دیگر مقولات مطرح در سیاست خارجی آمریکا نیز همیشه غیرمنطقی و غیرعقلانی‌ترین مواضع را داشت. به‌همین دلیل نیز با دیپلمات‌های حرفه‌ای وزارت خارجه آمریکا رابطه خوبی نداشت و راه را برای اذیت و آزار آنها ازسوی دولت ترامپ باز گذاشته بود.

✎ در همین چهار سال، چین رقیب جدی آمریکا در تعاملات بین‌المللی و اقتصاد و تجارت جهانی بود. سیاست پمپئو درباره این موضوع مهم چه بود؟



طرح‌های ایران: اسلیمی روسی

هسری پمپئو در سفری به چین.

طلب توده‌گرد

وزیر خارجه ترامپ، بیش از هر چیز روی ایران تمرکز کرده بود

وسواس ایرانی پمپئو

روح اله نخعی

بود. اما بعد از انتخابات و به‌خصوص بعد از سال ۲۰۱۸ و آمدن پمپئو به‌جای رکس تیلرسون، اولین وزیر خارجه ترامپ، مسئله ایران در اقدامات و تلاش‌های پمپئو حضوری به‌مراتب بیشتر داشت؛ در پرونده‌های مثل کره شمالی و ونزوئلا، بعد از مدتی تب‌وتاب و موضع‌گیری، ماجرا بی نتیجه و مشمول مرور زمان شد، اما در موضوع ایران تا تعاملات مربوط به این تمرکز، چه در بخش سفرها و دیدارها و موضع‌گیری‌های جدید اعلام می‌شد و این تازه علاوه‌بر اقدامات غیردیپلماتیک مانند اعزام نیروهای نظامی به منطقه و تحرکات آنها و نیز ترور فرمانده نیروهای قدس ایران در خاک کشور ثالث بود.

به دنبال ستاورد، ازشرق تا غرب دور این تحریم‌ها، در سایه راهبردی به نام «فشار حداکثری» تعریف می‌شدند. این راهبر، چنان‌که از نامش برمی‌آمد، قرار بود از همه مسیرهای ممکن همه فشارهای ممکن را به ایران اعمال کند. اما هرچه محتوای این راهبرد بدیهی به نظر می‌رسید، هدف اصلی آن به حدس و گمان ناظران سپرده شده بود. چند گزینه به‌عنوان نتایج مطلوب احتمالی ازسوی دولت ترامپ در این راهبرد در نظر گرفته شده بود: اجبار ایران به مذاکره مستقیم با آمریکا و پذیرش شرط‌ها و محدودیت‌های جدید مختلف در پرونده هسته‌ای و بحث‌های منطقه‌ای، فروپاشی برجام و محرومیت ایران از امکانات دیپلماتیک آن، تحریک ایران به اقدامی تهاجمی که دلیل کافی برای اقدام نظامی علیه ایران را کلید بزند و بالاخره فروپاشی سیستم اقتصادی و سیاسی ایران بر اثر فشار وارد شده. هدف اما هرکدام نبود، در نهایت هیچ‌کدام از آنها تا امروز که کارکنان اساس کشی در کاخ سفید مشغول هستند، محقق نشد. ۱۲ شرط معروفی را که پمپئو برای ایران تعیین کرده بود تا فشار حداکثری پایان یابد، البته می‌شد هدف رسمی این راهبرد درنظر گرفت. اما از نگاه بسیاری، این مجموعه چنان مطلق‌گرا و بنیادین بودند که پذیرش آنها عملا به معنای تغییر کامل سیستم حکومتی ایران در نظر گرفته می‌شد و در نتیجه از سوی تحلیلگران دیپلماسی جدی گرفته نشد.

تلاش‌های دوران پمپئو البته در محدوده این

دیپلماسی

نگاهی به عملکرد وزیر خارجه آمریکا در گفت‌وگو با کوروش احمدی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل:

پمپئو، دیپلمات ایدئولوگ

درحالی‌که ترامپ به بسیاری از ابعاد چالش چین برای آمریکا توجه نداشت و عمدتا بر مهاجرت شغل‌ها از آمریکا به چین و رفتن سرمایه آمریکایی به چین متمرکز بود، سیاست پمپئو در قبال چین، همه رگه‌های غیرعقلانی و غیرمنطقی بودن را داشت. پمپئو با چین نه به‌عنوان یک رقیب، بلکه به‌عنوان یک دشمن که باید نابود شود، برخورد می‌کرد؛ تا آنجا که حتی از مرزد چین می‌خواست علیه حزب کمونیست قیام کنند. همین‌طور مدعی بود که چین یک قدرت جبار است و کشورها را تشویق می‌کرد که در برابر چین بایستند. مواضع او در قبال چین گاه با تئوری توطئه پهلو می‌زد. مثلا سازمان بهداشت جهانی را متهم می‌کرد که تحت کنترل چین قرار دارد یا چین را متهم می‌کرد که پشت تلفات بالای ناشی از ویروس کرونا در انگلیس است. در مجموع نحوه برخورد پمپئو به‌عنوان یک وزیر خارجه با چین بسیار غیرمعمول و غیرمنطقی بود و بیشتر بُعد تبلیغاتی داشت و پروپاگاندامحور بود تا دیپلماسی‌محور. البته همه اینها در شرایطی بود که چین معقول و منطقی و در چارچوب اصول دیپلماتیک عمل می‌کرد و امثال پمپئو مشکل می‌توانستند بهانه علیه آن پیدا کنند.

✎ در مقابل تک‌های آمریکایی، ایران هم نیازمند بانک بود. همان‌طور که بیشترین توییت‌ها و جواب‌های ظریف، وزیر خارجه و سخنگوی وزارت امور خارجه، پاسخ به ادعاهای آمریکایی بود. اگر بخواهید این کشمکش را از زبانی کنید، آن را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ازآنجاکه پمپئو وجهه‌ای در سطح بین‌المللی نداشت و اغلب به اظهارات و مواضع افراطی و ایدئولوژیک او اعتنای چندانی نمی‌شد، طبعاً پاسخ‌دادن به تبلیغات و ادعاهای سابق او نیز چندان دشوار نبود. البته مستلزم داشتن مهارت‌ی و کافی بود که آقای ظریف نیز دارای چنین مهارتی هست. مشکل این بود و در دوره بایدن به طریق اولی این خواهد بود که مقامات ما می‌توانستند و در آینده بتوانند به‌لحاظ محتوایی و در قبال سیاست‌های عملی آمریکا واکنش مناسب نشان بدهند؛ بلکه از شدت فشارهایی که تاکنون بر مردم ما وارد شده، کاسته شود.

و فشار بیشتری را بر خود ممکن نمی‌دید، در جهت مخالف خواست واشنگتن با جدیت بیشتری پی گرفته شد. اقدامات ایران در برنامه هسته‌ای شامل کاهش گام‌به‌گام تعهدات و غنی‌سازی‌های اخیر و نیز اقدامات و تعاملات ایران در منطقه در ماه‌ها و سال‌های گذشته از این جمله بوده‌اند.

وزیر خارجه نادیپلمات

وقتی پمپئو به‌عنوان وزیر خارجه برای جانشینی رکس تیلرسون که خود یک مدیر نفتی سابق بود، به سنا معرفی شد، بسیاری رسانه‌های ایران به اعتبار سمت پیشین پمپئو او را فردی امنیتی معرفی می‌کردند که حالا به صحنه دیپلماسی آمدند. اما واقعیت از این هم پرپیچ‌وخم‌تر بود. مایک پمپئو، ازجمله نمایندگان راست‌گرایان بود که در سال ۲۰۱۱، در موج «تی پارتی» و در قبال راست‌های تندروی آن زمان با باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت به مجلس نمایندگان راه یافت. تندروهایی که تقابل همه‌جانبه با اوباما را در دستور کار قرار دادند و سنگ‌بنای قدرت‌گرفتن راست افراطی فعلی در حزب جمهوری‌خواه را گذاشتند. او که پیش از آن بر ارتش و بخش خصوص سابقه داشت، بعد از پنج سال حضور در مجلس نمایندگان و درحالی‌که حداکثر تعامل او با مسائل امنیتی و دیپلماتیک در جایگاه عضویت در کمیته‌های این مجلس بود، از سوی ترامپ به‌عنوان رئیس سیا معرفی شد و یک سال و سه ماه بعد، او را به‌جای تیلرسون به وزارت خارجه فرستاد. شاید همین سابقه بود که باعث شد او به‌عنوان رئیس یک نهاد ارشد امنیتی در یک نشست عمومی به‌صراحت بگوید «ما دروغ می‌گوییم، فریب می‌دهیم و می‌دزدیم». باز همین فقدان سابقه بود که در کنار رویکرد غیرعملی «تی پارتی»، باعث شد او در دوران وزارت خارجه بیش از هر چیز در عرضه موضع‌گیری‌های تند فعالیت داشته باشد.

مزیت اصلی پمپئو که باعث شد در میان ماندگارهای تیم پررفت‌وآمد ترامپ باشد، وفاداری او به رئیس‌جمهور و گوش شنوای او برای ترامپ بود اما همین تبعیت یک چهره کم‌سابقه در عرصه دیپلماسی، از رئیسی فاقد هرگونه سابقه سیاسی و اجرایی باعث شد که وزارت خارجه در دوران او در کمتر عرصه‌ای دست‌انورد و پیشرفت جدی داشته باشد، به‌خصوص وقتی پرچم‌دار دشمنی با ایران در واشنگتن، یعنی جان بولتون هم از تیم ترامپ خارج شد، درست به دلیل تفاوت مهمی که با پمپئو داشت. بولتون مانند پمپئو، ضدایران بود، مایل به تقویت طرف‌های مخالف ایران در منطقه بود، به برخورد نظامی و پیشرفت تحریمی در مقابل ایران مشتاق بود، از حملات لفظی و موضع‌گیری‌های تند علیه ایران مکرر استفاده می‌کرد و در دیگر حوزه‌ها مثل ونزوئلا نیز همین رویکرد کلی را داشت. اما برخلاف پمپئو، بولتون خود فکر و تحلیلی مستقل درباره مسائل داشت. تفاوتی که باعث شد بولتون دیگر نتواند کار با ترامپ را پیش ببرد و پمپئو، نتواند کار چندانی بیش ببرد.

دیپلماسی

● ایسنا: سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، روز پنجشنبه اعلام کرد که انتظار می‌رود محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان، در ماه ژانویه از روسیه بازدید کند.

لاوروف در کنفرانس خبری پس از گفت‌وگو با همتای سعودی خود این خبر را اعلام کرد. سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز روز گذشته اعلام کرد که محمدجواد ظریف در تاریخ ۲۶ ژانویه (هفتم بهمن) برای گفت‌وگو درباره برجام به مسکو سفر خواهد کرد. به گزارش پایگاه خبری آفا، مارا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، با اشاره به سفر محمدجواد ظریف به روسیه در تاریخ ۲۶ ژانویه اعلام کرد که وزیر خارجه ایران و سرگئی لاوروف، همتای روسی او در دیدارشان درباره شماری از مسائل بین‌المللی ازجمله برنامه جامع اقدام مشترک بر سر مسئله هسته‌ای ایران و شرایط کنونی در ناگورنو-قره‌باغ، افغانستان، سوریه و خلیج فارس به گفت‌وگو خواهند پرداخت.

خبرگزاری اردوپیونت گزارش داد که سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در کنفرانس مطبوعاتی با فیصل بن فرحان السعود، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، گفت: ما درک می‌کنیم که عربستان سعودی همه نگران رخدادهای پیرامون برنامه هسته‌ای ایران و نگران برخی اقدامات بخصوص ایران در برخی کشورهای منطقه است. ما امروز گفتیم کنفرانسی که برای گفت‌وگو درباره موضوع امنیت جمعی در خلیج فارس پیشنهاد می‌دهیم می‌تواند همه این مسائل را و همچنین نگرانی‌های دیگر شرکت‌کنندگان ازجمله ایران را در دستور کار قرار دهد.

دیپلماسی

ادامه از صفحه اول

راه سومی وجود ندارد

آیا احمدی‌نژاد هم یک آتارشیست سیاسی نبود که علیه بوروکراسی زمانه خودش در یک دوره چهار ساله -دوره اول ریاست‌جمهوری- خود میدان‌داری کرد؟ اگر احمدی‌نژاد در پایان دوره چهارساله اول خود کنار می‌رفت، چه اتفاقی می‌افتاد؟ با اینکه سیاست، منازعه اگر‌ها و مگر‌ها نیست، اما باید گفت تاوأم دوره احمدی‌نژاد شورش علیه بوروکراسی را به یاس بدل کرد و وضعیت امروز حاصل دوره چهارساله دوم احمدی‌نژاد و حسن روحانی است. اینک حتی مردم خواهان شورش علیه بوروکراسی نیستند چراکه به این باور رسیده‌اند راهی برای تغییر جدی وجود ندارد و به همین دلیل است که درست یا نادرست فکر می‌کنند تفاوتی بین قالیباف و ظریف وجود دارد. اصولگرایان نباید از این وضعیت پیش‌آمده که به پیروزی آنان منجر می‌شود، خرسند باشند؛ چرا که این وضعیت رویاها و منافع کوتاه‌مدت آنان را محقق می‌کند، اما در میان‌مدت موجودیتشان را به خطر می‌اندازد. شاید کاره‌گری و حاشیه‌نشینی برخی اصلاح‌طلبان از همین روست. برخی از اصلاح‌طلبان و حتی اصولگرایان به‌خوبی می‌دانند احیای دوباره سیاست، کار دشواری است. پیروزی همواره پیروزی نیست؛ چهره دیگر شکست است و همین چهره ژاوسنی انتخابات ۱۴۰۰ است که آنان را متغعل نگاه داشته است. دیگر، آرای سلبی و ایجابی کارکردی ندارد و نوع دیگری از احمدی‌نژاد و شورش علیه بوروکراسی نیز چنداند خریداری ندارد؛ حداقل در میان اصلاح‌طلبان و بقایای طبقات متوسط و نخبگان. البته به نظر می‌رسد در هر دو جناح اصولگرایان و اصلاح‌طلبان این امیدواری وجود دارد که با روی کارآمدن بایدن بتوان کشور را آسان‌تر مدیریت کرد. این دیدگاه در مقایسه با دوران ترامپ دور از واقعیت نیست اما نمی‌توان انکار کرد که بایدن پیروز آرای طرفداران خود است و پیروز قاطع انتخابات بماهو انتخابات نیست. بی‌تردید او بیش از آنچه خودش در گذشته فکر می‌کرد در رابطه با ایران باید دست‌به‌عصا تر باشد. ازهمین‌رو، عملکرد او در برابر ایران در آینده غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. در اوضاع کنونی برای جنگ‌های سیاسی ایران یک راه بیشتر وجود ندارد؛ بازگشت به احیای سیاست. کار دشواری که فعلا همه از آن سر باز می‌زنند با اینکه می‌دانند راه سومی وجود ندارد.

گامی به پیش در مسیر بررسی دارایی مسئولان

آنان خواهند پذیرفت که اگر عملکرد فلان مقام مسئول نمره قبولی نگرفت و امانت‌داری او زیر سؤال رفت، او قربانی تسویه‌حساب‌های جناحی نشده است. آنان جرم‌بودن عزم حکومت برای برچیدن ریشه‌های فساد و سخت‌گرفتن بر خودی‌ها را باور خواهند کرد. بنابراین نگارنده به‌صراحت به رئیس محترم قوه قضائیه پیشنهاد می‌کند به‌منظور تقویت دستورالعمل مورد اشاره و اطمینان‌بخشی به جامعه که مبارزه با فساد یک مبارزه فراگیر و جدی است و گریبان فسادان را در هر مقام منصبی که باشند و به هر اردوگاه سیاسی تعلق داشته باشند، رها نخواهد شد، رسماً از رسانه‌های مستقل برای ورود به این میدان دعوت کند و در مسیر ایجاد حاشیه امن برای اصحاب رسانه و جلوگیری از ایجاد دردسر برای رسانه‌های مستقل گام بردارد.

اصل کلیه مدارک (شناسنامه مالکیت، کارت موتور، سند کمپانی و تسلسل اسناد) **خودروپراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۶ رنگ مسی به شماره موتور ۲۱۳۸۸۸۰ و شماره شاسی S1412286607493 و پلاک شماره انتظامی ایران ۲۲_ ۶۱۳ م ۲۲** به نام **اینبانج مهدی عرب** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اینبانج د کتر سید حسن حسینی نماینده درمانگاه دندان پزشکی دی به اطلاع می رساند پروانه مسئول فنی دکتر علی علیپور به شماره ۲۶۵۳۲۵۱ در تاریخ ۱۸/۰۹/۱۳۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از یابنده تقاضا می شود آن را به اداره صدور پروانه دانشگاه علوم پزشکی استان البرز تحویل دهد.